

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

احتمالات موجود در متعلق «فی غفلة معرضون»

در قسمت دوم آیه خداوند می‌فرمایند: «هم فی غفلة معرضون» اکنون سؤال این است متعلق غفلت چیست؟

سه احتمال وجود دارد؛

الف) «و هم فی غفلة من الاقتراب» یعنی خدا می‌فرماید بین اعمال شما و حساب و کتاب خیلی نزدیک است اما شما از این «اقتراب» غافل هستید.

ب) «فی غفلة من الحساب» یعنی از خود حساب و کتاب غافل هستید.

ج) «فی غفلة من الحساب و غیر الحساب» یعنی اصلاً شما از خدا و توحید و اوصاف خدا و معاد و از تمام اینها غافل هستید.

البته آלוسی در این زمینه دو احتمال را مطرح می‌کند و احتمال سوم را ترجیح می‌دهد و می‌گوید؛ مراد، غفلت از جمیع اموری که مربوط به خدا و قیامت است «غفلة تامة و جهالة عامه من توحیده تعالی و الايمان بکتابه و رسله و وقوع الحساب و وجود الثواب و العقاب و سائر ما جاء به النبی»^[1]

در ادامه می‌گوید بنابر احتمال مذکور، اگر اشکال شود به اینکه آیه شریفه نمی‌تواند دلالت بر غفلت عمومی نماید، به خاطر اینکه مسئله غفلت عقیب و پس از مسئله حساب آمده از این رو غفلت هم باید منحصر به همان گردد. پاسخ این است که از آنجا که ظهور جهالت و حماقت و وقوع مسئله تأسف و ندامت بعد از مسئله حساب و کتاب می‌باشد و مرتبط با روز حساب و کتاب است و در آن روز شخص متوجه غفلت و جهل خویش می‌شود از این رو این سبب می‌شود مسئله غفلت، عقیب مسئله حساب آورده شود.

متعلق «فی غفلة» حساب

شایان ذکر است که از میان احتمالات، آیه شریفه ظهور در احتمال دوم دارد و خداوند تبارک و تعالی در مقام تنبّه دادن به حساب است، درست است قیامت صراط و میزان دارد، جهنم و بهشت دارد، اما آنچه که مردم باید توجه کنند این است که هر کاری در این دنیا انجام می‌دهند، بدانند یک روزی باید حساب و کتاب پس بدهند.

پس «و هم فی غفلة» یعنی غفلة الانسان، مردم توجه ندارند که روزی باید حساب و کتاب پس بدهند، یا مرجع ضمیر «هم» جمیع مردم باشد منتهی به اعتبار اینکه غالب مردم اینچنین غافل هستند، الان وقتی مشاهد می‌کنیم در میان کفار و مشرکین یک غفلت دائمی همیشگی وجود دارد، نه دینی، نه دیانت، نه نماز و نه عبادتی دارند، حتی مسلمان‌های غیر متدین نیز غفلت دارند و در میان متدینین نیز این غفلت متأسفانه وجود دارد، از صبح که برمی‌خیزد تا شب که می‌خواهید بخوابد برای هر حرفی که زده یا برای نوشتن، تحقیق و تدریس و تحصیل که داشته چقدر حسابرسی می‌کند باینکه روزی باید پاسخگو باشد.

درمیان ما طلبه‌ها که در این لباس مقدس هستیم، چقدر به حساب و کتاب توجه داریم، وقتی حرف می‌زنیم آیا توجه به این داریم که یک روزی باید جواب این حرفها را داد؟ پس این غفلت اختصاص به مشرکین ندارد و آیه شریفه ظهور در این دارد که متعلق غفلت، غفلت از حساب و کتاب است.

اجتماع واژه گان غفلت با اعراض در آیه شریفه ملازم با جمع بین متنافیین

مطلب دیگر که در آیه شریفه باید مورد توجه و نظر واقع شود، جمله «فی غفلة معرضون» است، سؤال این است از آنجا که واژه «غفلت» ملازم با عدم توجه است مثلاً اگر انسان جایی نشسته است، یک کسی وارد می‌شود و این شخص توجهی به ورود آن شخص نمی‌کند و بعد می‌گوید ببخشید من غافل بودم، متوجه نشدم که شما آمدید.

اما در مقابل، واژه «اعراض» ملازم با توجه است و تا انسان به او توجه نکند اعراض معنا ندارد، زمانی از چه چیزی اعراض می‌شود که به آن توجه داشته باشد پس واژه اعراض ملازم با توجه است برخلاف واژه غفلت که ملازم با عدم توجه است. اکنون سؤال اینست: خداوند تبارک و تعالی که از جهت ادبی واژه «فی غفلة» را به عنوان خبر اول و «معرضون» را به عنوان خبر دوم، برای «وهم» می‌آورد؛ یعنی خدا دو تا خبر می‌دهد، اما این دو خبر، دو لازم مغایر دارد «فی غفلة» لازمه‌اش عدم توجه است، کسی که توجه به حساب ندارد و غافل از حساب است، «معرضون» لازمه‌اش توجه و تنبه است یعنی کسی که به حساب توجه دارد و نعوذ بالله می‌گوید؛ این حرفها را رها کن!

پس اشکال این است که این دو معنای مغایرهم، چگونه می‌تواند دارای دو متعلق واحد (حساب) باشد؟

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ